تعلیم و تربیت انتقادی در مصاحبه با دنیس رنکورت، استاد اخراجی دانشگاه اوتاوا

جنجال در مدرسه

از زمانی که دنیس رنکورت Denis Rancourt استاد فیزیک دانشگاه اوتاوا، روش جدید خود در آموزش عالی یعنی تعلیم و تربیت انتقادی را از ۲۰۰۵ در دانشگاه آغاز کرد، ضمن بروز جنجال های بسیار باعث شد که ریاست دانشگاه هم با او از در مخالفت درآید و مانع تدریس او در دانشگاه شود. رئیس جدید دانشگاه،آلن راک، که عضو برجسته حزب لیبرال کانادا هم هست، تنبیهات علیه او را شدت بخشیده است. طبق دستور او رنکورت از سپتامبر گذشته تاکنون از تدریس منع شده و در این مدت به او اجازه داده نشده تا از فضای دانشگاه برای برگزاری همایش های علمی، بخصوص نمایش فیلمهای مستندی که با اقبال گسترده دانشجویان روبرو شده بود، استفاده کند. کلیه اعضای گروه تحقیقاتی او نیز از ورود به آزمایشگاه دانشگاه منع شدند. سرانجام در دسامبر سال گذشته به وی اطلاع دادند که دیگر حتی اجازه ورود به محوطه دانشگاه را ندارد و بزودی از دانشگاه اخراج خواهد شد. در زیر مصاحبه ای را با او در مورد کم و کیف روش ابتکاریش در تعلیم و ترتیب می خوانیم که نه تنها در حوزه فلسفه سیاسی بلکه برای نظام آموزش عالی مدرک گرا و نمره محور ما نیز می تواند واجد درس های بسیاری باشد:

[ترجمه: سعید وهابی]

■ ریاست دانشگاه چه دلیلی را برای اخراج شما از دانشگاه ارائه کرد؟

آنها مدعی اند که من به روشی کاملاً اختیاری نمره داده ام .اینکه به همه نمره الف داده ام بدون آن که هیچ اسلوب تعلیمی یا فرایند آموزشی را مدنظر داشته باشم. اگر حکم اخراج صادر شود، مسئولین دانشگاه آزمایشگاه مرا برخواهند چید، پس حتی اگر در دانشگاه برنده شوم باز ادامه تحقیقات بسیار دشوار خواهد بود. باید ذکر کنم که قاضی در اوایل امسال به نفع من حکم صادر کرد و تصریح کرد که استاد حق دارد مطابق اصل آکادمیک از نظام های نمره دهی غیرمرسوم به عنوان بخشی از روش تعلیمی استفاده کند.

■ چرا نمره ندادن به دانشجویان برای شما مهم است؟

دانشجویان با اتکا به نمره ها یاد می گیرند که ذهنیت استاد را حدس زده و از آن تبعیت کنند. نظام نمره دهی مانند ماشین آلات پیچیده ای است که در آن میل طبیعی برای یادگیری و انگیزه ذاتی برای یادگیری چیزی که نسبت به آن علاقه دارید، از بین می رود. نمره ها هویج و چماقی هستند که کارمندان سرکش را رام می کنند و دانشجویان را برای تلقینات فکری سطوح بالاتر مدارس حرفه ای آماده می کنند. تنها راه توسعه تفکر مستقل در کلاس درس اعطای آزادی به دانشجویان و درهم شکستن رابطه قدرتمدارانه با ازمیان برداشتن ابزار قدرت است.

■ در کلاس هایی که به دانشجویان نمره داده نمی شود، کار تکمیل یافته ان ها را چطور توصیف می کنید؟

تنوع پروژه ها و وسعت نظر موضوعاتی که این دانشجویان درباره آنها کاوش می کنند از نظم دامنه داربسیار گسترده تری نسبت به پروژه های کلاس های مرسوم برخوردارند. آنها دانشجویانی هستند که به آن نظم دست یافته اند، با آن برانگیخته شدند و بدنبال کنجکاوی های خود رفتند و تحقیقاتشان را خود هدایت کردند. چون آنها می توانستند انگیزه ذاتی خود را درون خود موضوع مورد مطالعه بیابند، به باور من یادگیری آنها عمیق تر بود. حتی در سال چهارم دوره کارشناسی فیزیک می توانستم ثابت کنم که آنها خیلی چیزها را بدرستی درک نکرده بودند. ما گاهی می نشستیم و مسائلی مربوط به سال اول را با هم مرور می کردیم، و می توانستم به آنها ثابت کنم که اکثرشان برخی از مسائل پایه در فیزیک مانند قوانین نیوتن را به خوبی درک نکرده بودند. درک این نکته که آنها برای نظامی پول پرداخت کرده بودند که کارایی نداشت، برای آنها تا حدی حقارت بار بود. نظامی که در آن می توانستند متقاعد شوند که چیزی را یاد گرفته اند اما آن را به خوبی نفهمیده اند. آن مسئله برای آنها تا حدی شوک آور بود، البته شوکی که برای آنها ضروری بود. باید بپذیرید که اگر قصد دارید محققی شوید که درباره نحوه عملکرد طبیعت و نظایر آن کشفیات بزرگی انجام می دهد، باز هم واقعاً چیزی را درک نمی کنید!

> **آزادی آکادمیک آرمانی است که مطابق آن اساتید و دانشجویان خودمختارند و رشد و تعاملات خود را خود طراحی می کنند. درواقع، آن رویه حقوقی است که در زمینه آموزش و تحقیق به اساتید دانشگاه استقلال حرفه ای اعطا می کند**

■ آیا نمره ندادن به اعتبار دانشگاه لطمه نمی زند؟ بویژه در موضوع اشتغال کارفرمایان می خواهند [از طریق نمره دانشگاه] بدانند کارمندی را به کار گرفته اند که دانش خود را در زمینه مربوط ثابت کرده است؟

برخی از مدارس لیک آیوی درحال حاضر دوره هایی مبتنی بر نظام قبولی - ردی (pass - fail) ارائه می کنند تا نظام نمره دهی. پس اعتبار دانشگاه ارتباط چندانی با نمره دادن ندارد. استدلال اعتبار دقیقاً همان استدلالی است که رئیس من ارائه کرده است.

در توصیف شغل من با در اسنادی که موضوعیت دانشگاه را تعریف می کند هیچ چیزی دایر بر این نکته وجود ندارد که ما بخاطر کارفرمایان، مسئول رتبه بندی دانشجویان هستیم. درواقع، تمام مدارک خلاف آن را می گویند؛ این که هدف دانشگاه تعلیم و تربیت است، یادگیری است، توسعه است. اگر تصمیم دارید به تعلیم وتربیت بپردازید، پس باید تعلیم وتربیت را ارتقا دهید، و نمره دادن آن کار را نمی کند. صدور گواهینامه و رتبه بندی دانشجویان در دست کارفرمایان است. آن ها می توانند با دانشجویان مصاحبه کنند و از آن ها امتحانات ورودی به عمل آورند. مسئله من این ها نیست. کار من آموزش است و من نسبت به آن مسئولیت حرفه ای دارم. قصد ندارم بخاطر چند کارفرما که خارج از محیط دانشگاه مستقرند و از من می خواهند که دانشجویان را رتبه بندی کنم، تن به مصالحه دهم.

■ منظور شما از اصطلاح آزادی آکادمیک چیست؟

آزادی آکادمیک آرمانی است که مطابق آن اساتید و دانشجویان خودمختارند و رشد و تعاملات خود را خود طراحی می کنند. درواقع، آن رویه حقوقی است که در زمینه آموزش و تحقیق به اساتید دانشگاه استقلال حرفه ای اعطا می کند. اما نهادها آزادی آکادمیک را این طور معنا می کنند که دانشگاه ها در برابر دول منتخب مسئول نیستند.

■ چرا افرادی که خارج از محیط دانشگاهی هستند باید به آزادی اکادمیک اهمیت بدهند؟

آن ها نباید چنین کاری کنند. چنین اهمیتی متضمن این تصور نخبه گرایانه است که تنها اساتید دانشگاه باید آزادی بیان، آزادی پژوهش و امنیت شغلی داشته باشند. برعکس شهروندان باید برای دست یافتن به این آزادی ها در محل زندگی، محل کار و در محل تحصیل خود مبارزه کنند. تمام این مبارزات آزادی سیاسی برای همه را بوجود آورده و به آن استحکام می بخشد.

■ اگر خوانندگان بخواهند شما و عقایدتان در مورد تعلیم و تربیت را به خوبی درک کنند به سراغ چه کسانی بروند و آثار چه کسانی را مطالعه کنند؟

اولین تأثیر عمده را از پائولو فرر گرفتم که به من کمک کرد تا موضوع تعلیمی خود را به خوبی درک کنم. کتاب مشهور او تعلیم مظلوم نام دارد که یک شاهکار غیرقابل باور است. کتابی آکادمیک و روشنفکرانه است اما از لحاظ تجربی هم عمیق و پایه ای است. می توانید بارها و بارها آن را بخوانید و هر بار چیزی از آن برداشت کنید. جف اشمیت کتاب بسیار مهمی به نام اذهان منتظم نوشت که بدرستی شناخته نشده است و در آن درباره نحوه شکل دادن به کارمندان حرفه ای صحبت می کند. سرانجام به عنوان یک آنارشیست از میخایل باکونین هم برای روش تعلیمی ام الهامات بسیاری دریافت کردم.

تلفن گروه اندیشه: ۸۸۷۶۱۲۵۷

نقد و نظر

ویتگنشتاین نظام‌ساز نیست

همایون کاکاسلطانی، مترجم آثار ویتگنشتاین، در گفت و گو با خبرگزاری مهر در پاسخ به این سؤال که علت علاقه‌اش به ویتگنشتاین چیست و چرا کتابهایی ازوی ترجمه کرده است؟ گفت: علاقه‌مندی به هر نظام فکری ریشه در شرایط و اوضاع و احوال جامعه فکری دارد و جامعه ما هم از این قاعده مستثنی نیست.

فلسفه ویتگنشتاین نسبت به سایر حوزه‌های مکاتب فلسفی، فلسفه تقریباً ناشناخته‌ای است. علتش هم دیر معرفی شدن این فیلسوف و سبک نامتعارف بیان و اندیشه از طرف این فیلسوف است. در کنار خیلی از فلاسفه مثل افلاطون، ارسطو، کانت، نیچه و تا حدی هایدگر البته ویتگنشتاین آن چنان که بایسته و شایسته است در ایران معرفی نشده‌است.

مترجم «مقدمه‌ای بر تراکتاتوس ویتگنشتاین» تصریح کرد: یکی از دلایل توجه من به ویتگنشتاین همین مسئله بوده است. البته ظرف ۵ و ۶ سال اخیر آثاری از این فیلسوف ترجمه شده ولی با توجه به حجم گسترده مطالبی که موضوعات مختلف اندیشه ویتگنشتاین را پوشش می دهد ترجمه آثار و عناوین و موضوعات مختلف از این فیلسوف و درباره این فیلسوف آن چنان که باید کافی نیست.

کاکاسلطانی در پاسخ به این سؤال که وضعیت ترجمه آثار ویتگنشتاین در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ گفت: اگر اغراق نباشد تقریباً همه کتاب‌هایی که درباره ویتگنشتاین ترجمه شده‌اند رسا، شیوا و افاده کننده مطلبند و این تا حدودی به سبک اندیشه ویتگنشتاین هم بر می گردد.

ویتگنشتاین برخلاف سایر فلاسفه بزرگ به گفته خودش نظام‌پرداز یا دستگاه‌ساز نیست. وقتی چنین رویکردی به نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی وجود داشته باشد طبیعتا دامنه اصطلاحات ساخته شده در این فلسفه و حوزه فکری هم آن چنان که باید گسترده نیست.

مترجم «چگونه ویتگنشتاین را بخوانیم؟» افزود: درست است که ویتگنشتاین به جز در مواردی اصطلاح‌سازی نکرده اما فحوای کلام و پیچیدگی خاص خودش را دارد و همین در مرحله دوم کار ترجمه او و آثار درباره او را دشوار می‌نماید.

کاکاسلطانی در پاسخ به این سؤال که «علت توجه به ویتگنشتاین در ایران چیست؟» گفت: دو علت می تواند وجود داشته باشد. علت اول این است که مثل خیلی از جریانات و تحولات فکری ممکن است ما در این زمینه هم تابع مد و شیک گرایی باشیم. اما دلیل دوم به اهمیت و اعتبار و اصالت اندیشه این فیلسوف برمی گردد.

طرح مضامین نو، ایده‌های بکر و اندیشه‌های اصیل که تقریباً رگه و نشانه‌ای در تاریخ فلسفه و قرینه‌ای در تاریخ تفکر فلسفی غرب نداشته از دلایل برجسته و مهم اهمیت و توجه به این فیلسوف بزرگ است.

کاکاسلطانی در حال حاضر ترجمه کتاب «فرهنگ اصطلاحات ویتگنشتاین» نوشته هانس یوهان گلاک را در دست دارد.

تلفن پذیرش آگهی: ۴۱-۸۸۵۰۳۳۳۹ و ۹-۸۸۵۰۴۵۴۲ - ۰۹۱۲۴۵۷۳۳۱۹-۰۹۱۲۴۹۴۲۷۰۰ برندگان سکه بهار آزادی این هفته اعلام گردیدند. آژانس های مسافرتی و هتل ها را امروز در صفحات ۱۰، ۱۵، ۱۶ ببینید.